

زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در حوزه رفاه اجتماعی

شریف خسروی ترازک* ، ابوتراب طالبی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی از زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در حوزه رفاه اجتماعی صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع کیفی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌باشد. مصاحبه پس از اجرا بین ۳۵ نفر از افراد نمونه که به صورت هدفمند انتخاب شدند، به اشباح نظری رسید. نتایج تحقیق نشان داد که دو عامل دین و مذهب و آداب و رسوم به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده‌اند. در بخش عوامل زمینه‌ای ترس از نمایش ثروت در عرصه عمومی و خانواده گرایی قرار می‌گیرد، شرایط مداخله‌ای شامل نوع پول (مثبت و منفی) و عدم تناسب در مدیریت پول و نگاه مردم می‌باشد. پدیده محوری نیز به نقش تعیین‌کننده پول در رفاه اجتماعی اشاره دارد. راهبردهای مدل نیز شامل: استفاده از پول به عنوان ابزاری برای توسعه کار و پس‌انداز را به انگیزه‌های مختلف می‌باشد. در نهایت نیز مجموع این قضایا پیامدهایی از قبیل: آسایش و راحتی، اشتغال، تفریح و سرگرمی، روابط خانوادگی و ارتباطات اجتماعی، تغذیه و پوشاک، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و رفع نیازها در جهت دسترسی به رفاه اجتماعی منجر می‌شود.

کلید واژه‌ها: زمینه‌های فرهنگی، پول، پس‌انداز و رفاه اجتماعی.

rievar@gmail.com

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

tatalebi@yahoo.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه و طرح مسئله

یک کنش زمانی "جهت اقتصادی" دارد که طبق مفهوم ذهنی‌اش، متوجه ارضای تمایلی نسبت به مطلوبیت‌ها باشد. بنابراین کنش اقتصادی، کاربرد مسالمت‌آمیز منابع تحت اختیار یک فرد، در جهت بهره‌گیری اقتصادی است (Weber, 1968). البته "کنشی که جهت اقتصادی دارد" با "کنش اقتصادی" متمایز است. اصطلاح اول شامل تمام کنش‌های غیراقتصادی و تمام کنش‌های مسالمت‌آمیزی می‌شود که تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی باشد. اما "کنش اقتصادی" دارای جهت‌گیری آگاهانه نسبت به اهداف اقتصادی است. بنابراین نیت و آگاهی افراد از ارکان اصلی کنش اقتصادی به شمار می‌رود. بدیهی است که نیت و آگاهی افراد جامعه برآیند فرهنگ آن جامعه است. بنابراین نمایان است که نقش فرهنگ در کنش اقتصادی می‌تواند اثرگذار باشد.

مسئله‌ای که در بررسی رفتار اقتصادی شهروندان کرمانشاهی وجود دارد، این است که چرا با وجود اینکه استان کرمانشاه به لحاظ دسترسی به منابع اعم از اقتصادی و اجتماعی در سطح نسبتاً مناسبی نسبت به دیگر استان‌های کشور مانند آذربایجان شرقی، یزد و اصفهان قرار دارد، اما به لحاظ ابعاد گوناگون کنش اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارد؟ جواب به چرایی این تفاوت می‌تواند متأثر از این موضوع باشد، که «افراد مختلف در گروه‌های مختلف اجتماعی برداشت‌های متفاوتی از مفاهیم اقتصادی مثل ثروت و فقر دارند، نگرش به مسائل اقتصادی می‌تواند از فرهنگ جامعه و سنت‌های آن ناشی شود. از این رو هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد و بر این اساس می‌توان گفت جهت‌گیری‌های اقتصادی هم از سنت ناشی می‌شود و هم از ضرورت» (بلالی و جعفری، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

وضعیت درآمد سرانه در استان کرمانشاه طی سنوات گذشته چندان مطلوب نبوده است، به‌عنوان مثال، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، درآمد سرانه مردم در این استان در سال ۱۳۹۴ مبلغ ۱۸۳ میلیون ریال بوده، در حالی که متوسط کشوری درآمد سرانه ۲۱۵ میلیون ریال بوده است، که جایگاه بیست و یکم کشوری را نصیب کرمانشاه کرده است و

این رتبه بیانگر آن است که شهروند کرمانشاهی در مقایسه با یک شهروند متوسط کشوری، از قدرت خرید و در نتیجه رفاه کمتری برخوردار بوده است.

در مجموع مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار در کنش اقتصادی عبارت‌اند از؛ کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری. از نظر وضعیت بازار کار و اشتغال، بر پایه آمارهای مرکز آمار ایران استان کرمانشاه دارای بالاترین نرخ بیکاری (۲۰/۴ درصد) در سال ۱۳۹۵ بوده است و در سال‌های بعد نیز وضعیت رو به بهبودی وجود نداشته است. در خصوص پس‌انداز نیز بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران میل نهایی به پس‌انداز در استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۶ حدود ۰/۴۹ درصد و این میزان در کل کشور برابر ۰/۷۲ می‌باشد. در سال ۹۲ این میزان در کرمانشاه به ۰/۳۱ درصد و در کل کشور به ۰/۷۰ درصد رسیده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که میل به پس‌انداز در کرمانشاه بسیار پائین‌تر از میانگین کشوری می‌باشد.

با توجه به آنچه ذکر آن رفت، به نظر می‌رسد دلیل این امر را می‌توان در فرهنگ پس‌انداز مردم این منطقه، جستجو کرد. به لحاظ سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز استان کرمانشاه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، به نحوی که استان آذربایجان شرقی بیش از ۲ برابر استان کرمانشاه سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون دارد. حال مسئله اینجاست که استان آذربایجان شرقی و کرمانشاه که خاستگاه زیست‌محیطی تقریباً مشابهی دارند، تفاوت در شاخص‌های اقتصادی مربوط به چه چیزی است؟ به نظر می‌رسد اختلاف در ریشه‌های فرهنگی دو قوم عامل این تمایز باشد.

در پژوهشی با عنوان نقشه راه توسعه استان کرمانشاه، تحلیل‌های متفاوتی از وضعیتی که استان کرمانشاه بدان گرفتار شده است ارائه شده است. به نظر می‌رسد ریشه‌ای‌ترین علل وضعیت کنونی استان را می‌توان در نظام معیشتی عشایری، مدرنیته ناقص، جنگ تحمیلی، ارجحیت احساسات بر عقلانیت در رفتارهای مذهبی، نگرش تاریخی تساوی اقتدار با امنیت و تسلط نگرش ایدئولوژیک به جای شایسته‌سالاری در انتصابات، پائین بودن فرهنگ کار، پائین بودن امنیت اجتماعی (به‌عنوان بستر اصلی جذب و انباشت سرمایه) و مهم‌تر از همه وجود انواع اختلال‌های ارتباطی در سطوح مختلف در استان جستجو کرد

(نقشه راه توسعه استان کرمانشاه، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹). پائین بودن فرهنگ کار یکی از مواردی است که در بررسی نقشه راه توسعه استان کرمانشاه بدان اشاره شده که می‌تواند عامل مهمی در تحلیل کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی باشد، که به تبع، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در این استان و در نتیجه سطح رفاه اجتماعی شهروندان را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد.

همچنین در بررسی کنش اقتصادی یک جامعه، مراجعه به ضرب‌المثل‌ها، بررسی نوع نگاه و باورداشت‌های مردم درباره ثروت و سرمایه، که ساخته و پرداخته فرهنگ و یا سنت‌ها و هنجارهای مردمی است، اهمیت می‌یابد. در واقع همین باورداشت‌ها و همین انگیزه‌هاست که رفتارها و کنش‌های اقتصادی ویژه‌ای را بوجود آورده است، به طوری که دیگر نمی‌شود برای بررسی‌های رفتارهای اقتصادی تنها به فرمول‌های و الگوهای اقتصادی صرف توجه نمود، و از فاکتورهای فرهنگی غفلت نمود. لذا این پژوهش به دنبال بررسی ریشه‌های فرهنگی، باورها و آداب و رسوم می‌باشد، که بر نحوه عمل و کنش اقتصادی تأثیرگذار است، و سطح رفاه اجتماعی آنان را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد. بنابراین نمی‌توان از این باورها و پنداشته‌ها که در قالب فرهنگ در افراد درونی شده غفلت نمود. در خصوص ارتباط کنش‌های اقتصادی با رفاه اجتماعی نیز می‌توان گفت که آنچه فرآیند رسیدن به رفاه اجتماعی را میسر می‌سازد این است که تمامی تحولات چرخه زندگی بشر طی گذر تاریخی از جامعه سنتی به جامعه مدرن در اساس بر محور علم و فن در فرآیند تولید متکی گردد (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۴۸). جامعه ایران از جمله جوامع در حال گذر است و هنوز نتوانسته به گونه‌ای همه‌جانبه وارد دنیای مدرن شود. در این فرآیند گذار دو مسئله اهمیت می‌یابد یکی روش کسب علم و فن و دیگری روش انتقال علم و فن است. در روش کسب علم و فن در جامعه سنتی از طریق تجربه و خطا در صحنه تولید صورت می‌گیرد و در جامعه مدرن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و آزمون‌های آزمایشگاهی. در روش انتقال نیز در جامعه سنتی از طریق شاگردی و ممارست در صحنه تولید و در جامعه مدرن از طریق دوره‌های آموزشی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد.

وقتی از فرهنگ مؤثر بر کنش اقتصادی، صحبت می‌کنیم، منظور مجموعه‌ای از باورها است که باید دارای یکسری ویژگی‌ها باشند. اولین ویژگی تفاوت در منشأ پیدایش این باورها است و لذا این مجموعه، مجموعه‌ای هماهنگ، همساز، و یکدست نیست، بلکه مجموعه‌ای است که در آن عناصر متضاد با یکدیگر به فراوانی یافت می‌شود. دومین ویژگی مربوط می‌شود به این که شکل‌گیری این باورها نیاز به زمان دارد، زمانی طولانی که گاهی به صدها و شاید هزاران سال می‌رسد. در برهه‌هایی از زمان، برخی باورهای فرهنگی شدیداً سرکوب می‌شدند و اما باورهای جدید نتوانستند با همان سرعت و شدت جایگزین شوند، لذا یک خلاء فرهنگی ایجاد شد. خلاء و خالی شدنی که برای نظم کلی اجتماع و برای فرآیند توسعه اقتصادی بسیار خطرناک می‌باشد. سومین ویژگی، متمایز بودن فرهنگ دوره‌های تاریخی بشر می‌باشد (همان: ۲۰۱). وجود این سه نوع ویژگی در باورهای شهروندان کرمانشاهی قابل‌ردیابی است که می‌توانند محرکی برای کنش اقتصادی آنان باشد.

در نهایت می‌توان گفت که پژوهش حاضر ضمن اذعان به نقشی که نهادهای پهن دامنه از قبیل دولت و بازار جهانی و تبلیغات و ... در شکل‌گیری ذهنیت‌ها و باورهای افراد در نحوه تعامل و کنش اقتصادی دارد، تمرکز خود را به بررسی باورها و پنداشت‌هایی دارد که ریشه در فرهنگ شهر کرمانشاه دارد. لذا این پژوهش به دنبال بررسی ریشه‌های فرهنگی، باورها و آداب‌ورسومی می‌باشد، که بر نحوه عمل و کنش اقتصادی تأثیرگذار است که خود عامل مهم و کلیدی در بحث رفاه اجتماعی می‌باشد. پنداشته‌ها و تنه‌نشست‌هایی که حتی اثرگذاری دنیای مدرن و صنعتی را در مواجهه با ثروت و انباشت آن، کند و یا حتی خنثی نموده است. بنابراین نمی‌توان از این باورها و پنداشته‌ها که در قالب فرهنگ، در افراد درونی شده غفلت نمود و از اثرگذاری کنش‌های اقتصادی بر مفاهیم اجتماعی از قبیل رفاه اجتماعی سخن به میان آورد. بنابراین برای ارائه تحلیلی موضوع می‌بایستی به جنبه‌های دیگر رفتار از جمله زمینه‌های فرهنگی نیز توجه نمود.

دغدغه اصلی پژوهش حاضر شناخت کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در حوزه رفاه اجتماعی، در بستر فرهنگی می‌باشد که در آن زیست می‌کنند، لذا نگاهی دوگانه به ساختارهای کلان و پهن دامنه و ساختارهای خرد یا همان کنشگر دارد. دغدغه شناخت فرهنگی، پایه‌ای‌ترین دغدغه‌ای است که این دو سطح تحلیل را به هم مرتبط می‌سازد. بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات هستیم: زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری کنش اقتصادی در بین شهروندان کرمانشاهی کدام‌اند؟ و چه راهبردهایی را می‌توان برای کنش‌های اقتصادی در بین شهروندان کرمانشاهی اتخاذ نمود که سطح رفاه اجتماعی آنان را ارتقاء دهد؟

رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی گفته می‌شود که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۶). در تعریفی دیگر که از سوی سازمان بین‌المللی کار (ILO) این‌گونه آمده است که رفاه اجتماعی «حمایتی که جامعه برای اعضای خود از طریق مجموعه‌ای از اقدامات عمومی ارائه می‌دهد: ارائه خدمات مراقبت‌های سلامت برای افراد و ارائه مزایایی برای خانواده‌های دارای فرزند» (Kaske, 2005: 90). البته اکثر موضوعاتی که به رفتار آدمی مربوط می‌شود بسیار غامض و تدوین آن در یک تعریف کار بسیار سختی می‌باشد، لذا اندیشمندان هر یک به جنبه‌ای از موضوع توجه دارند. برخی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در بین این اندیشمندان بدین‌صورت است: رفاه اجتماعی نظامی جامع از خدمات و برنامه‌های اجتماعی در راستای گسترش توسعه، عدالت و نقش اجتماعی مردم (ذاکر حمیدی، ۱۳۸۶؛ به نقل از هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۶)، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی (باری، ۱۳۸۰: ۱۶۱)، بهبود اجتماعی در وضعیت افراد، خانواده‌ها و جوامع (میجلی، ۱۳۷۸؛ به نقل از سعیدی و تاج‌الدین، ۱۳۸۸: ۲۴)، خدمات مؤسسات

اجتماعی به‌منظور دستیابی به زندگی مطلوب (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۳)، آموزش و مهارت‌آموزی (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۲۶)، بهداشت و درمان (قاراخانی، ۱۳۹۲: ۲۱۳)، مسکن (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، کار (Cocozzelli, 2009: 11)، اشتغال (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، ثروت (Lovuolo, 2009: 29)، نیازها (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۲۰)، تغذیه و پوشاک (لطیفی، ۱۳۸۹: ۶۹) و تفریح و سرگرمی (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸: ۵۸) را شامل می‌شود. در هریک از این تعاریف رفاه اجتماعی محدود به الگوی رسمی و دولت‌محوری در حمایت اجتماعی از شهروندان است، اما پژوهش حاضر در نظر دارد زمینه‌های فرهنگی که بستری را برای رفاه اجتماعی فراهم می‌نماید را با محوریت کنش اقتصادی در اندیشه شهروندان کرمانشاهی شناسایی کند.

پیشینه تحقیق

نظرسنجی مردم تهران در مورد پس‌انداز بر اساس پژوهش کاظمی پور (۱۳۷۶) نشان داد که در شهر تهران، ۸۳ درصد از پاسخگویان با جمع شدن سرمایه‌های کوچک مردم برای پیشرفت اقتصادی کشور و همچنین پس‌انداز کردن موافق هستند. پاسخگویان معتقدند بهترین راه پس‌انداز سپردن پول به بانک به‌صورت سرمایه‌گذاری درازمدت می‌باشد. ۵۸ درصد پاسخگویان معتقدند فرد باید خودش با پولش کار کند. در مجموع از نظر پاسخگویان افراد صرفه‌جو بیشتر پولدار می‌شوند، و این که در سرمایه‌گذاری در کارهای آزاد اطمینانی وجود ندارد، خرید سهام مطمئن‌ترین راه حفظ سرمایه است چرا که سود سهام زیاد است.

یافته‌های عبیری (۱۳۸۷)، در خصوص مصرف‌زدگی یا عدم پس‌انداز در شرایط رکود تورمی نشان می‌دهد که عناصر تشکیل‌دهنده رفتار اقتصادی، یعنی میل نهانی به مصرف، نرخ بهره، بهره‌وری و نرخ سود، به‌طور مؤثری در ایجاد تعادل، یا عدم تعادل، سطوح و خرد کلان اقتصاد، را دچار بحران، یا تثبیت می‌کنند.

از سوی دیگر پژوهش نیکخواه (۱۳۹۰)، بر روی نقش صداوسیما در ترویج فرهنگ پس‌انداز نشان می‌دهد که رسانه به‌طور عام و صداوسیما به‌طور خاص به‌عنوان رسانه موردبررسی در این پژوهش در شکل دادن به رفتار پس‌اندازی افراد مؤثر است. پژوهش صادقی و احمدزاده (۱۳۸۷)، در خصوص بررسی نقش فرهنگ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی اقتصادی در تولید نشان داد که می‌بایستی فرهنگ مصرف و پس‌انداز را در بین گروه‌های مختلف سنی (خردسال، میانسال و سالخورده) مدیریت نمود. با فرهنگ‌سازی مصرف بهینه و عقلایی در بین دو گروه سنی تحت تکفل (زیر ۱۵ سال و بالای ۶۴ سال) در جهت ایجاد تقاضای مؤثر و نیز ترغیب گروه سنی مولد (۶۴-۱۵ سال) به پس‌انداز می‌توان در راستای ارتقای رشد اقتصادی و تولید بیشتر گام برداشت. همچنین در این پژوهش کار و فرهنگ را دو مقوله مرتبط می‌داند که بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. گسترش کارآفرینی نیز به‌عنوان عامل ایجاد اشتغال و تولید ثروت در جامعه نتایج فرهنگی زیادی را در پی خواهد داشت، که با عنایت به مقوله توسعه فرهنگ کارآفرینی می‌توان به شاخص‌های رشد و توسعه که از طریق تغییر در روند تولید، بهره‌وری و توان‌افزایی فنی و صنعتی در عرصه اقتصاد حاصل می‌شود دست‌یافت.

چی مین لی و شرمین هانا (۲۰۰۷)، در پژوهشی تحت عنوان اهداف پس‌انداز و رفتار فرهنگی پس‌انداز از دیدگاه مردم بر اساس نیازها نشان دادند که دو نوع دیدگاه از رفتار پس‌انداز در بین مردم دیده می‌شود که طی همین انواع، شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی مردم شناخته می‌شود. مدل اول سؤالات بازی برای سنجش نظرات مردم در نظر گرفته است تا مردم علایق خویش را بیان نمایند و اهداف خود را نیز متعاقباً بیان نمایند. در مدل دوم سؤالات بسته‌ای در نظر گرفته شده است. نتیجه تحقیق حکایت از این دارد که ارتباط مثبت بسیار عمیقی بین عقلانیت و پس‌انداز وجود دارد.

در بررسی الگوهای رفتاری در بین جوامع مختلف فروسسی و میرانز (۲۰۰۷) نشان دادند که در سال‌های اخیر، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای بین الگوهای رفتاری پس‌انداز در مناطق مختلف جهان وجود دارد که تفاوت‌ها نشأت گرفته از علایق و خواسته‌های

زیست گاهی است که این نوع از رفتار اقتصادی در آن صورت گرفته است و سبب شکل‌گیری نوعی فرهنگ پس‌انداز در بین این جوامع است. رفتار پس‌اندازی نیز برخاسته از علایق و تقاضاهای مردم است که از فرهنگ و آداب و رسوم مردم نشأت گرفته است. همچنین فرهنگ هر ناحیه، منطقه بر نوع و میزان پس‌انداز مردمانش تأثیر می‌گذارد. سوریا پاراکاسا راتو گدلا (۲۰۱۲) در بررسی رفتار پس‌انداز خانه‌های قبیله‌ای و روستایی در روستای ویسخابتام نشان داد که سن و جنس سرپرستان خانوار، نرخ وابستگی و هزینه پزشکی به‌طور معناداری تحت تأثیر رفتار پس‌انداز کنندگان است. همچنین در نواحی قبیله‌ای نرخ وابستگی و هزینه‌های درمانی تحت تأثیر پس‌انداز سرپرستان خانواده قرار دارد.

در بررسی پس‌انداز احتیاطی یانفی ژو (۲۰۰۳) نشان داد که اثر و اهمیت پس‌انداز احتیاطی ناشی از نا اطمینانی درآمد است. او با کاربرد داده‌های مربوط به بررسی سال ۱۹۹۶ دولت ژاپن در مورد انتخاب دارایی‌های مالی خانوارهای ژاپنی و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی نشان داد که نا اطمینانی درآمد اثر معنی‌داری بر روی مصرف و پس‌انداز خانوار دارد، به‌نحوی که همراه با بالا بودن سطح نا اطمینانی در بین افراد جامعه میزان پس‌انداز آنها نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین بیش از نیمی از خانوارهای ژاپنی برای انگیزه احتیاطی پس‌انداز می‌کنند.

ملاحظه می‌شود که در زمینه بررسی کنش اقتصادی پژوهشی صورت نگرفته و اکثر پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته که تنها در موضوع رفتار پس‌اندازی را بررسی کرده‌اند، در جامعه مورد مطالعه یعنی کرمانشاه نیز هیچ تحقیق مرتبطی صورت نگرفته است. لذا توجه به این موضوع اهمیت زیادی می‌یابد.

چارچوب مفهومی

بحث کنش اقتصادی در ایران ابتدا در اندیشه روشنفکران در مقایسه با آنچه سرمایه‌داری در غرب نامیده می‌شود به چالش کشیده شد. اندیشمندانی از قبیل احمد اشرف، مهدی

بازرگان، سید جواد طباطبایی، محمدعلی کاتوزیان، یرواند آبراهامیان و ... هر کدام به گونه‌ای به مطالعه موضوع پرداخته‌اند، که بیشتر این مسئله را دنبال کرده‌اند که چرا گونه‌ای از سرمایه‌داری که در غرب شکل گرفته نتوانسته در ایران شکل بگیرد. مطالعه کنش‌های اقتصادی پاسخ‌هایی متفاوتی را از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارائه نموده‌اند. برخی مانند اشرف وضعیت نیمه استعماری ایران و وابستگی به غرب و شرق را از دلایل اصلی رفتار اقتصادی ایرانیان دانسته است (اشرف، ۱۳۵۹).

مهدی بازرگان خصیصه زراعت پیشگی ایرانیان که سبب شکل‌گیری صفاتی از قبیل بردباری، شلختگی، وا رهایی، نوسان‌های زندگی، زمین‌گیری، تک زیستی، سازگاری، روح مذهبی و تفرقه اجتماعی و مسئله امنیت می‌شود، را در تبیین کنش‌های اقتصادی ایرانیان ملاک قرار می‌دهد (بازرگان، بی‌تا). سید جواد طباطبایی نیز ریشه عدم حرکت به سمت سرمایه‌داری و کنش‌های اقتصادی عقلانی را در انحطاط فکری می‌داند. ایشان نشانه‌هایی را که زمینه‌ساز انحطاط فکری در ایران گشته را شناسایی می‌کند، این نشانه‌ها عبارتند از: تصوف، حکمت عملی در ایران، جدال سنت و مدرنیته، تقدیرگرایی، مشکل امنیت و فقدان نظام حقوقی، فقدان بازسنجش در خردورزی ایرانی و اندیشه ایرانی و فقدان نقادی از سنت و پرسش (طباطبایی، ۱۳۸۰).

محمدعلی کاتوزیان برای تبیین رفتار اقتصادی ایرانیان به نظریه استبداد شرقی متوسل می‌شود. در واقع کاتوزیان ساختارهای دولتی به‌جامانده از دوران گذشته که استبداد را با خود به یدک کشیده‌اند را در تحلیل رفتار اقتصادی ایرانیان اثرگذار می‌داند که به شدت مالکیت منابع را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۷). یرواند آبراهامیان نیز در چارچوب تئوریک که برای اصلی‌ترین کتاب خود "ایران بین دو انقلاب" برگزیده به‌صراحت خود را پیرو نوع نگاه نی. پی. تامپسون^۱ می‌داند. در آثار دیگری که چه در قالب مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران (۱۹۹۸) و چه در کتاب "تاریخ ایران مدرن" (۲۰۰۸) به ردپای این مشرب فکری می‌توان برخورد. آبراهامیان ذیل این رویکرد و مشابه

تامپسون طبقه را صرفاً برحسب ارتباط آن با شیوه تولید (آن‌گونه که مارکسیست‌های سنتی اغلب معتقدند) در نظر نمی‌گیرد، بلکه برعکس در متن زمان تاریخی و اصطکاک اجتماعی آن با دیگر طبقات معاصر درک کرد. آبراهامیان معتقد است که ایران سرزمین تفاوت‌های قومی و زبانی بود و تفاوت‌های مذهبی شکاف‌های موجود را تشدید می‌کرد. به این ترتیب، ساختار قومی ایران به موزاییک پیچیده‌ای شبیه بود که در آن هر تکه‌ای شکل و اندازه و رنگ متفاوتی داشت. اگر عبارت واحدی بتواند این وضع را توصیف کند، بی‌تردید تنوع گروهی است. سازمان‌های گروهی سلسله‌مراتبی و موازی بازتابی از ساختارهای اجتماعی بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷).

آبراهامیان با توصیف سازمانی‌های گروهی در ساختار اجتماعی ایران، مهم‌ترین ویژگی ایران قرن سیزدهم را برخورد گروهی معرفی می‌کند. او تبدیل شدن دگرگونی گروهی به رقابت گروهی را نتیجه سه عامل می‌داند. «نخست، کشمکش بر سر منابع کمیاب به‌ویژه اراضی حاصلخیز و قنات‌های آبیاری. دوم، این تصور رایج که اقتصاد نمی‌تواند رشد مداوم داشته باشد و تنها با فدا کردن دیگری می‌توان به نوایی رسید. سوم، رقابت برای کسب مقام‌های اداری در محل. به این ترتیب تنوع گروهی به سهولت به انشعاب گروهی می‌انجامید: وحدت ملی به تفرقه ملی، و اشتراک گروهی به تنگ‌نظری منطقه‌ای و تشتت سیاسی بدل می‌شد (همان: ۲۴).

توجه به کنش‌های متفاوت افراد در محیط‌های گوناگون اندیشمندان را بر آن داشت که علاوه بر بُعد عقلانی رفتار به ابعاد احساسی و ارزشی که ریشه در فرهنگ هر محیط دارد، توجه نمایند. لذا این نگاه به رفتارهای اقتصادی توجه ما را به آن دسته از نظریات اقتصادی پیوند می‌دهد که در کنار پرداختن به رفتار عقلایی و اقتصادی صرف، به موضوعات اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای نموده‌اند. مفاهیمی چون ایدئولوژی و باورها، سنت‌ها و آداب و رسوم را به‌عنوان نهادهای غیررسمی، برای شناخت دقیق‌تر رفتارهای اقتصادی وارد تحلیلشان نموده‌اند.

امروزه این دسته از نظریه‌پردازان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و علیرغم توجه به نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک در اقتصاد، مفاهیم جدیدی را به نظریات خود اضافه کرده‌اند، که باعث پیوند بیشتر با نظریه‌پردازان حوزه‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی شده‌اند. از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد با نظریات این دسته از اندیشمندان (از قبیل وبر، سومبارت، پارسونز و نورث) به بررسی موضوع بپردازد. در کل در زمینه ارتباط فرهنگ و اقتصاد دو نوع نگاه وجود دارد. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که این اقتصاد است که به فرهنگ شکل می‌دهد و در واقع اقتصاد و به سخن دیگر سرمایه‌داری سعی در یکدست کردن فرهنگ و هم‌شکل کردن آن دارد، این دسته از تحقیقات بیشتر متأثر از اندیشه‌های کارل مارکس (۱۸۶۷) می‌باشد. در مقابل رویکردی دیگر سعی در شناسایی تأثیرات فرهنگ بر اقتصاد تأکید دارد که بیشتر این دیدگاه متأثر از نظریات ماکس وبر (۱۹۰۴) و ورنر سومبارت (۱۹۰۲) می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز به پیروی از سومبارت و وبر به اثرات فرهنگ بر اقتصاد توجه می‌شود.

ماکس وبر ضمن تمایز قائل شدن بین انواع کنش‌ها، کنش معطوف به هدف و عقلایی را عاملی تعیین‌کننده بر تحول جوامع صنعتی می‌داند، در حالی که جوامع سنتی عمدتاً از کنش‌های ارزشی، عاطفی منفعل و سنتی بهره‌می‌برند که موجب توسعه و پیشرفت نمی‌شوند (وبر، ۱۳۶۷: ۷۱-۷۵). همچنین وبر در نظریه اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری، روابط حیات دینی و اجتماعی و اقتصادی در فرهنگ معاصر را بررسی کرد. او رابطه باورهای دینی افراد با رشد حیات اقتصادی و عقلانی بورژوازی را همسو تلقی نمود. مبانی اندیشه وبر در نظریه مزبور معرف توجه او به توازن عوامل معنوی و مادی در تحول تاریخ و زنجیره علل رابط میان نقش ارزش و تعیین جهات کنش است. البته توجه به ریشه‌های فرهنگی از این گفته داگلاس نورث نشأت می‌گیرد که ریشه شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارها که به‌نوبه خود رفتارها و تصمیمات اقتصادی را ایجاد می‌کند ریشه در فرهنگ آن محیط خاصی دارد که کنش اقتصادی در آن صورت می‌پذیرد است (North and Denzau, 1994: 84)، که در نظریه وبر نیز نمایان است.

البته این مسئله در جامعه چند فرهنگی ایران نمود بیشتری دارد، و می‌توان شاهد رفتارهای اقتصادی متفاوتی در مناطق مختلف کشور بود. بنابراین برای اینکه بتوانیم شناخت دقیق‌تری از کنش اقتصادی کنشگران در جامعه آماری موردبررسی برسیم، بصورت تئوریک وارد بحث کنش اقتصادی خواهیم شد. لازم به ذکر است که مقوله دین در استان کرمانشاه دارای خوانش‌های متفاوتی از سوی مردم هست و به همین دلیل اثرات متفاوتی را در کنش آنها دارد. مسعود گلزاری نویسنده کتاب کرمانشاهان-کردستان در کتاب مذکور می‌نویسد که وجود پاره زیادی از ادیان در استان کرمانشاه بخصوص شفاهی بودن این ادیان که بیشتر توسط ریش سفیدان تفسیر و ارائه شده است اثرات متفاوت و گهگاه متعارضی را بر افراد این منطقه گذاشته است (گلزاری، ۱۳۵۷: ۷۴).

اصل انتخاب عقلانی در اقتصاد نئوکلاسیک توسط نظریه نهادگرایی به چالش کشیده شده است. اما این چالش بدان معنا نیست که نهادگرایی جدید را یک نظریه جایگزین برای نظریه نئوکلاسیک علم اقتصاد بدانیم، بلکه بیشتر این چالش در جهت تکمیل و رفع نواقص نظریه اقتصاد نئوکلاسیک می‌باشد. داگلاس نورث از مهم‌ترین چهره‌های این مکتب معتقد است که برای تبیین رفتارهای اقتصادی می‌بایستی به ریشه‌های انتخاب‌های فردی توجه داشت. در واقع نورث به نوعی به دنبال ترکیب نظریه نئوکلاسیک دولت و نظریه انتخاب عمومی است، تا بتواند از این طریق چارچوب‌هایی را که افراد در قالب آن دست به تصمیم‌گیری می‌زنند را بتواند تبیین کند. آنچه که در اندیشه نورث مهم می‌نماید توجه او به دولت به عنوان نهادی اثرگذار بر این تصمیمات می‌باشد (North, 1997).

بنابراین در پژوهش حاضر نیز همان‌طور که در تبیین رفتار اقتصادی ایرانیان اندیشمندانی از قبیل کاتوزیان و آبراهامیان به جنبه استبدادی دولت نظر داشتند و با توجه به اهمیت نقش دولت در اندیشه نورث به نقش آن از دیدگاه کنشگران توجه می‌شود. اقتصاد رفتاری نیز در تقابل با انتخاب عقلانی در اقتصاد متعارف شکل گرفت. مهم‌ترین اندیشمند این حوزه ریچارد تالر می‌باشد. تالر تفاوت رفتار واقعی با فروض اقتصاد متعارف را نوعی انحراف و ناهنجاری در تحلیل بازار می‌داند، و توجه خود را به جنبه‌های

روان‌شناسانه رفتار معطوف می‌کند (تالر، ۱۳۹۶). در راستای نظریات تالر پژوهش حاضر نیز در نظر دارد که به جنبه‌های شخصیتی رفتار افراد توجه نموده و جنبه‌های عاطفی و احساسی رفتار افراد را در تحلیل کنش اقتصادی آنان مدنظر قرار دهد.

نظریات رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل در حوزه تغییر فرهنگی نیز، در تحلیل کنش اقتصادی از منظر فرهنگ کارساز می‌باشد. «با گسترش توسعه اقتصادی، تغییر فرهنگی به‌وجودآمده از بودن به‌سوی ابراز بودن و تأثیر گذاشتن، در حرکت است؛ در این جوامع، انسان با عبور از مرحله بقا به پاسداشت ارزش‌های ابراز وجود می‌پردازد که این عاملی در جهت رهایی از هر قدرت و جزم‌اندیشی می‌شود» (Inglehart & Wlzel, 2005: 29). اینگلهارت و ولزل، حرکت از سطوح پایین نیازها به سطوح بالاتر را در هرم مازلو، دگرگونی از اولویت‌های مادی گرایانه به اولویت‌های فرامادی گرایانه تعبیر می‌کنند و معتقدند که دگرگونی از اولویت‌های امنیت اقتصادی و فیزیکی به‌سوی اولویت برای ابراز وجود و کیفیت زندگی است (Libd: 33). اما وجود این تغییرات فرهنگی و اثر آن را می‌بایستی در خرده‌فرهنگ‌هایی جستجو نمود، که در بین شهروندان کرمانشاهی به‌صورت یک کل منسجم عمل می‌کند.

در نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی اندیشمندان این حوزه راجرز، فاستر، لرنر، وایزر، لوئیس، نی هف و ... با وجود تفاوت‌های بسیار بین دهقانان از فرهنگ‌های مختلف، مجموع صفاتی از قبیل: تقدیرگرایی، پائین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها، عدم احساس کارآمدی شخصی، انگیزه اقتصادی پائین، فقدان هم‌دلی، تصور خیرمحدود، بی‌اعتمادی در روابط شخصی (Foster 1965: 293-297)، فقدان نوآوری (Rogers, 1969, Lewis 1960, Foster 1965) و ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی (Rogers, 1969: 273). را تحت عنوان خرده‌فرهنگ دهقانی ذکر نموده‌اند، که در این پژوهش سعی بر آن داریم که به بررسی هریک از این صفات در بین شهروندان کرمانشاهی در مطالعه کنش اقتصادی آنها بپردازیم.

در کل می‌توان گفت که پژوهش حاضر تلاشی در جهت جمع‌آوری و شناخت بیشتر و بهتر رفتار و کنش‌های اقتصادی مردم در استان کرمانشاه با محوریت ریشه‌های فرهنگی کنش اقتصادی در حوزه رفاه اجتماعی شهروندان این استان می‌باشد. لذا از مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... سود خواهیم جست. در دو قرن گذشته، اقتصاد متعارف از یک سو نقش ساختارهای اجتماعی و نهادی که از بیرون بر رفتارها و انتخاب‌های فرد تحمیل می‌شود را نادیده می‌گرفت و از سوی دیگر نیز نقش سازه‌ها و سائقه‌های ذهنی درونی و روان‌شناختی افراد را از تحلیل حذف کرده بود. در واقع اقتصاددانان نهادگرا کوشیدند تمام توجه‌های علم اقتصاد را بر بخش اول و اقتصاددانان رفتارگرا کوشیدند تا توجه‌ها را بر بخش دوم معطوف کنند.

در این فضا از علم اقتصاد دو گونه متفاوت از اقتصاد تحت عنوان اقتصاد نهادی و اقتصاد رفتاری نمایان گردید، اما پژوهش حاضر ادعا دارد که دو نگاه موجود در علم اقتصاد توان تحلیل کنش اقتصادی را ندارند، چرا که از توجه به ساختارهای فرهنگی غافل مانده‌اند. در واقع پژوهش حاضر از تحلیل فرهنگی به عنوان حلقه مفقوده در مطالعات کنش اقتصادی به عنوان فکتی اقتصادی در بین اندیشمندان مکتب اقتصاد رفتاری یاد می‌کند که سعی دارد آن را در مطالعه جامعه آماری موردبررسی یعنی شهروندان کرمانشاهی در نظر گیرد. بنابراین در کنار توجه به مفاهیم موردبررسی در این نظریات به دنبال استخراج مؤلفه‌های فرهنگی که کنش اقتصادی افراد را شکل می‌دهد و همچنین شناخت راهبردهایی که منجر به رفاه اجتماعی شهروندان این استان، می‌گردد، می‌باشیم.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد، و تکنیک جمع‌آوری داده نیز مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌باشد. در این راستا ابتدا تعدادی سؤال کلی طراحی گردید و در حین مصاحبه متناسب با متن مصاحبه سؤالاتی بدان اضافه می‌شود. از آنجا که مفاهیم در پژوهش کیفی نقش محوری دارند و معمولاً یکی از اهداف چنین پژوهش‌هایی، تحلیل

نظری موضوع است، لذا نمونه‌گیری در پژوهش کیفی مفهومی یا نظری است (Strauss & Corbin, 1990)، و معمولاً تا آنجا پیش می‌رود که محقق احساس کند به اشباع نظری رسیده است. یعنی گردآوری داده‌ها تا موقعی ادامه می‌یابد که افزایش اطلاعات، نتواند مفاهیم، مقوله‌ها، خرده مقوله‌ها و تنوع‌های جدید به دست دهد. تا جایی که محقق و خوانندگان پژوهش وی اطمینان یابند که چیزی از قلم نیفتاده است (Libd).

بدین منظور سؤالات طراحی شده برای مصاحبه بین ۳۵ نفر افراد که به صورت هدفمند انتخاب شدند اجرا گردید. لازم به ذکر است که جامعه آماری تحقیق نیز کلیه شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال استان کرمانشاه می‌باشد، که در سال ۱۳۹۸ در این استان مشغول به فعالیت و دارای درآمد هستند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل محتوای استقرایی استفاده شده است. در این راستا برای دست‌یابی به تئوری بنیادی یا زمینه‌ای از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده نموده‌ایم. لذا در کدگذاری ابتدا مقوله‌های کدگذاری شده دسته بندی شده و در نهایت در ارتباط منظم و منطقی با هم قرار گرفته‌اند تا ایده نظری حاصل شود. این ایده نظری در یک فرآیند استقرا بدست آمده است که گویایی تحلیلی از زمینه‌های فرهنگی کنش شهروندان کرمانشاهی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌های انجام شده در این بخش در قالب کدگذاری باز، محوری و گزینشی با هدف بررسی ریشه‌های فرهنگی کنش اقتصادی در حوزه رفاه اجتماعی صورت گرفته است. در این راستا تمامی مؤلفه‌های شناسایی شده در رابطه با کنش اقتصادی از قبیل، پول، کار، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و ... شناسایی و تشریح می‌گردد. سپس در ادامه این مقولات در قالب یک الگوی پارادایمی بر اساس دیدگاه اشتروس کوربین ترسیم می‌گردد.

مقوله مرکزی اول - پول در اندیشه شهروندان کرمانشاهی

بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نوع نگاه شهروندان کرمانشاهی به پول به صورت‌های متفاوتی انعکاس داده می‌شود، در یک نگاه، پول تنها به‌عنوان یک وسیله و ابزار در زندگی نگریسته می‌شود که نقش مکمل دارد، و در یک نگاه دیگر پول به‌عنوان یک ابزار که نقش تعیین‌کننده در زندگی دارد، در نظر گرفته می‌شود. در هر یک از این دو نگاه پول معنا و مفهوم خاص خود را دارد. انعکاس این دیدگاه‌ها در مصاحبه‌های زیر آمده است، و چنانچه اشتراوس و کوربین گفته‌اند نقل‌قول‌ها به حد ضرورت ارائه شده است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۲۹).

مقوله: پول به‌عنوان ابزاری جهت تسهیل امور

در نگاه اول، که به پول به‌عنوان یک ابزار جهت تسهیل امور نگریسته می‌شود، نوعی نگاه همراه با معنویت دیده می‌شود که هدف غایی خود را از کسب پول، خیر رساندن به دیگران و حرکت به سوی تعالی روح انسان به‌عنوان فاکتوری از رفاه اجتماعی در اندیشه شهروندان کرمانشاهی می‌باشد.

بر طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان:

"کارها با پول انجام میشه، راه توسعه رو باید با پول هموار بکنی، پیشرفت میاره. به‌قول معروف پول، پول میاره" (مصاحبه‌شونده شماره هفت؛ ۵۸ ساله - پرورش‌دهنده گل محمدی).

در گفته‌های مصاحبه‌شونده دیگر نیز پول بیشتر جنبه تسهیل‌کننده امور زندگی برای راحت زندگی کردن اظهار شده است:

"پول وسیله‌ای هست که بهت کمک می‌کنه راحت زندگی کنی، یعنی وسیله‌ای برای راحت زندگی کردنه، بنابراین ما باید در این راه پول در بیاریم و ازش استفاده کنیم نه اینکه هی پول جمع کنیم و بداریمش دوباره توی کار و بعد بازم همین کار رو بکنیم. پول در میاری باید ازش استفاده کنی، گدا بازی در نیاری باید استفاده کرد از پول" (مصاحبه‌شونده شماره سی؛ ۴۵ ساله - لوله‌کش ساختمان).

مقوله: پول به‌عنوان ابزاری جهت کمک به دیگران

در این نگاه از پول برای کمک به دیگران نیز استفاده می‌شود، در جایی همین مصاحبه‌شونده می‌گوید:

"من واقعاً آدمای دردمند زیاد می‌بینم. که خودشون معطل هستند، نمی‌دونند چه باید بکنند. این جور آدمای روح و شمع مدیریت را ندارند. باید دیگران اینها را هدایت بکنند. حالا من فک می‌کنم صد پاچه روستا زمین هاشون رو، یک قلم یا دو قلم اون چیزی که من روش کار کردم اینا، میشه کار کرد و صادر بکنه اروپا خریدار هست. در این زمینه خوب میشه کار کرد" (مصاحبه‌شونده شماره هفت؛ ۵۸ ساله - پرورش‌دهنده گل محمدی).

مقوله: خدمات و برنامه‌های اجتماعی

"پول برای هرکسی در زندگی امکان داره آسایش و راحتی بیاره، ولی اون در آوردن شرایط به نحو احسن و درست به نظر من خیلی اهمیت بیشتری داره، در جامعه ما الان اگر ما بینیم بیشتر تمایل دارند کارهایی انجام بدن، کارهای اقتصادی انجام بدن که سریعاً و راحت تر به پول برسند، ولی من خودم اعتقادم بر این است اونهایی که ریشه‌ای کار می‌کنند، برای آینده کار می‌کنند و کمک می‌کنند که به استان‌شان به شهرشان به جامعه‌شان کمک می‌کنند که بتوانند حداقل این درد بیکاری جامعه را به مقدار کمک بکنند، من فکر می‌کنم در این راه خیلی بهتر است آدم آگه کاری انجام بده، فقط صرف این نباشه که آدم پول در بیاره، بتونه از اون پولش به نحو احسن به جامعه خدمت بکنه" (مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وشش؛ ۶۰ ساله - تولیدکننده).

مقوله: تفریح و سرگرمی

تفریح و سرگرمی از دیگر مقولات مستخرج از دل مصاحبه‌هاست که مصاحبه‌شونده‌ای این‌گونه بیان می‌کند:

"آگه درآمدم خیلی زیاد بشه که از مخارج روزمرمون بزنه بالا اونوقت تفریح و مسافرت توی اولویتن برام میریم با خانواده کل ایران رو می‌گردیم زشته خیلی از شهرای ایران رو ما اصلاً ندیدیم" (مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وهشت؛ ۴۱ ساله - فروشنده).

مقوله: ارزش و احترام در جامعه

در نگاه دیگر نوعی احساس نیاز در جمع‌آوری پول در بین شهروندان کرمانشاهی دیده می‌شود که باعث رقابت‌های درون‌گروهی برای کسب ثروت و مال‌اندوزی و محرکی اصلی در رفاه اجتماعی از نگاه شهروندان شده است، در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها این‌گونه اظهار می‌کند:

پول واقعاً این روزها هرکسی نداشته باشه زمین خورده. یعنی فکر می‌کنم پول بعد از سلامتی مهم‌ترین عنصر برای زندگی است، به تو توی جامعه ارزش می‌ده بهت احترام میزان حساب می‌کنن توی مراسم‌ها دیده میشه خلاصه همه ازت حساب می‌برن. پس باید تلاش کرد پول درآورد برایش جنگید و کلی پس‌انداز کرد تا بتونی خوب زندگی کنی. (مصاحبه‌شونده شماره بیست و چهار؛ ۲۶ ساله - کشاورز).

مقوله: روابط خانوادگی و ارتباطات اجتماعی

در خصوص اثرگذاری و نقش پول در روابط یکی از مصاحبه‌شوندگان حتی پول را معیاری برای انتخاب همسر می‌داند.

"پول داشته باشی میتونی ازدواج درست حسابی هم داشته باشی باکسی که میخوای، نداشته باشی باید یا ازدواج نکنی یا هرکی بهت پا داد باش ازدواج کنی" (مصاحبه‌شونده شماره سی و یک؛ ۲۹ ساله - قهوه‌خونه دار).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر معتقد است پول نتیجه‌ای عکس در روابط خانوادگی و ارتباطات اجتماعی افراد دارد.

"پول ما بهش بها میدیم وگرنه ارزشی نداره، ۳۰ سال پیش کی اینجوری بود همه همسایه‌ها انگار به خونه بودن میامدن می‌رفتن خونه هم هرچی داشتن به هم کمک می‌کردن ولی الان برادر به برادر رحم نمی‌کنه. اینا همه از بدبختی حرص برای پوله" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و دو؛ ۶۳ ساله - بنا ساختمانی).

این مصاحبه‌شونده معتقد است که پول عامل خراب شدن ارتباطات در اجتماع و حتی در سطح خانواده شده است. این موضوع در صحبت‌های مصاحبه‌شونده دیگر بدین صورت ذکر شده است:

"آدم این روزا انقد درگیر پول درآوردن شدن که دیگه همدیگر رو فراموش کردن، باور کنید طوری شده که آدم باید هی بدوه که به مخارج زندگی برسه اصلاً فرصت نمیشه حتی به پدر و مادرت هم سر بزنی، بقیه که هیچی دیگه. قبلاً من بچه بودم زیادم نه همین ۲۰ سال پیش همیشه مهمون میومد برامون می‌رفتیم خونه اقوام الان همه درگیر پول درآوردن کسی وقت نمی‌کنه بره مهمونی اقوامش یا خانوادش" (مصاحبه‌شونده شماره سی و چهار؛ ۳۹ ساله - آزاد).

در دیدگاه این مصاحبه‌شونده مردم به خاطر تلاش برای کسب پول از ارتباطات اجتماعی خود کاسته‌اند. این کاهش ارتباطات اجتماعی در دیدگاه مصاحبه‌شونده دیگر سبب سلب آرامش و حتی افسردگی در بین افراد گشته، و از سطح رفاه اجتماعی آنان کاسته شده است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این باره می‌گوید:

"پول، پول، پول هر جا میری صحبت پوله، بیا شما هم از پول می‌پرسید، به خدا پول آرامش رو از زندگی مردم گرفته همه افسرده شدن از بس دنبال درآوردن پولن، همه تنها شدن توی تنهایشون دارن جون می‌کنن و پول در میارن برای چی نمی‌دونم".
در ادامه این مصاحبه‌شونده در پاسخ به اینکه پول برای گذران زندگی لازم است، این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

"نه بابا، امکانات به چه دردی می‌خوره وقتی کل زندگیت رو درگیر باشی هی تنها باشی و حرص بزنی برای پول درآوردن، منم انگار می‌بینیم که همه پول در میارن منم کار می‌کنم پول در بیارم اضافه کار میرم توی شرکت بعدش هم میام مسافرکشی هم می‌کنم. آخه تا کی!!!!" (مصاحبه‌شونده شماره یازده؛ ۴۲ ساله - سوپرمارکت).

مقوله: پول حلال و پول حرام

مقوله دیگری که از مصاحبه‌ها می‌توان بیرون کشید، پول حلال در مقابل پول حرام است. این موضوع در صحبت‌های یکی از مصاحبه‌شوندگان به این صورت انعکاس داده می‌شود:

"پول چیزی است که برای راحتی زندگی و باید همیشه تلاش مثبت نسبت به درآمد کسب حلال داشته باشیم، ولی تمام خوشبختی‌های زندگی بستگی به پول ندارد. آدم‌هایی

هستند که زیاد پول‌های کثیفی به هر طریقی که شده وارد خانواده کردن و حتی خانواده‌هایی من در سطح شهر هرسین چه برسه به استان کرمانشاه دیدم که پول نداشتند ابهت شأن خوب بوده ولی بعد از پول‌دار شدن به راه بد کشیده شدند. پول زیاد توی زندگی سالم بودن نقش اساسی ندارد، درست زندگی کردن مهم است ولی باز با این اوصاف و احوال رکن اول زندگی انسان که پول است و به وسیله پول به سطح بالا کشیده می‌شود" (مصاحبه‌شونده شماره ده؛ ۵۰ ساله - گچ کار).

همان‌طور که در مصاحبه فوق ذکر شده است، مصاحبه‌شونده مدعی است که بر اساس تجارب شخصی خود پولی که از راه درست به دست نیاید و منزلت و پرستیژ اجتماعی خانواده‌ها را کاهش خواهد داد، و سبب کاهش ارتباطات اجتماعی افراد به‌عنوان یکی از آیتم‌های رفاه اجتماعی می‌شود.

همین مصاحبه‌شونده در خصوص پول کثیف این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

"مثلاً قاچاق می‌فروشند، سر این یکی اون یکی کلاه می‌گذارند، مثلاً توی معاملات دارن دروغ می‌گن کاری به دین و اینها نداریم هر معامله‌ای که باید انجام بگیره باید ده درصد به روی اون پول کشیده بشه، ولی بعضی آدم‌ها می‌بینی مثلاً یک یخچال می‌گیرن ۲۰۰ هزار تومان همونو احتکار می‌کنند می‌دن ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار تومان. به روز نمی‌فروشند اصلاً معضل جامعه ایران این است که اون اجسام، اون وسایل اون کالایی که می‌گیرند به روز نمی‌فروشند اون وقت می‌گن که ما پول حرام نخوردیم. ولی اگر درست فکر بکنند همش حرامه دیگه" (مصاحبه‌شونده شماره ده؛ ۵۰ ساله - گچ کار).

یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است که پول به می‌تواند هم خوب باشد هم بد، خوب یا بد بودن پول از نظر این پاسخگو بدین صورت در گفته‌های ایشان انعکاس داده می‌شود:

"پول دور و داره یه روش برای آدم آرامش میاره یه روی دیگه اش دردسره داره، پول وقتی آدمو درگیر خودش کنه دیگه خوب نیست، همش زندگیت میشه استرس، من پولدارایی رو می‌شناسم که همش زندگیشون درگیر تنشه، پول باید طوری توی زندگی آدم مبنا قرار بگیره که از لذت ببره نه اینکه کل زندگیت بشه پول جمع کردن. به نظرم پول اندازه داره، باید به اندازه برایش وقت صرف کرد مثلاً من دوست دارم یک‌سوم

زندگی‌ام رو وقف پول در آوردن کنم یعنی در روز هشت ساعت بیشتر از اون یعنی اینکه تو از زندگی بزنی، از روابطت با خانواده با دوستان از تفریح و از خیلی چیزای دیگه بزنی که این کلاً سطح رفاه زندگی آدم رو پائین میاره" (مصاحبه‌شونده شماره سی‌ودو؛ ۵۷ ساله - فرش فروش).

یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز نگاهی دوگانه در جهت مثبت و منفی به پول و نقش آن در زندگی دارد، و آن را بسته به شرایط در زمان‌ها، مکان‌ها و اشخاص مختلف خوب یا بد می‌داند. ایشان این‌گونه اظهار می‌کند:

«پول در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نقش مختلف دارد بنده در زندگی شخصیم در واقع طالب پول نبودم و به دنبال جمع کردن آن هم نرفتم هرچند که طبیعتاً پول نقش مهمی در رفاه تربیت خانواده و زندگی دارد و به‌طور کلی در تمام امورات به‌طور قطع به یقین نقش دارد که نقش می‌تواند سازنده یا مخرب باشد بسته به شرایط هر شخص و روش استفاده دارد به‌طور مثال گاهی اوقات هنگامی که شخص پولدار می‌شود زمینه ارائه خدمات فراهم می‌کند و گاهی نیز برعکس آن اتفاق می‌افتد پول شرایط نابسامان و یا زمینه انحراف را می‌تواند ایجاد کند در زندگی شخصی بنده با توجه به اینکه اولویت اولم جمع کردن پول و مال‌اندوزی نبوده اما تأثیر خود را بر زندگی بنده گذاشته است کما اینکه الان با ۳۷ سال سابقه کار و ۲۷ سال مدیریت کلی یک زندگی ساده در عین حال لذت‌بخش را برای خود ایجاد نموده‌ام» (مصاحبه‌شونده شماره یک؛ ۶۰ ساله - مدیر کل بازنشسته).

مقوله: پوشاک

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان پول را مبنای شخصیت دهی به آدم و تعیین‌کننده در نگاه دیگران به فرد می‌داند. این مفهوم بدین صورت در مصاحبه‌ها انعکاس داده شده است:

"پول از نظر من نقشش شخصیت دادن به آدمه، پول نداشته باشی هیچی نیستی. تو یه لباس کهنه بیوش برو توی خیابان یه آدرس بیرس ببین کی بهت جواب میده اما یه کت شلوار بیوش یه ماشین خوب سوار شو ببین مردم چطور بهت احترام میدارن. به نظرم سعدی اشتباه گفته یا شاید هم مال اون دوره و نمونه قدیم بوده الان باید گفت همین لباس

زیباست نشان آدمیت" (مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وهشت؛ ۴۱ ساله - فروشنده).

مقوله: فقرزدایی و محرومیت‌زدایی

در مقابل تمام نگاه‌های مادی گرایانه به پول نوعی نگاه از منظر تولید فرهنگی نیز در اندیشه مصاحبه‌شوندگان دیده می‌شود، فرهادی در این خصوص می‌گوید:

"پول نقش زیربنایی در اکثر امور زندگی رو داره، پول یا اقتصاد در کنار فرهنگ دو معیار اصلی برای زندگی است. توجه به فرهنگ باعث میشه که ما همه‌چیز رو پول نبینیم. ولی در کل پول برای من وسیله‌ای برای تولید اون چیزی هست که دوست دارم و اون چیز فرهنگ هست. مثلاً آگه پول داشته باشم به موسسه آموزشی بزرگ تأسیس می‌کنم که بتونم آگاهی رو به مردم یعنی کسانی که علاقه‌مند هستند تجویز کنم" (مصاحبه‌شونده شماره هفده؛ ۴۰ ساله - استاد دانشگاه).

یکی از مصاحبه‌شوندگان نگاهش به پول تنها در حد گذران امورات روزمره است و این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

«خب واقعیت این است که بخشی از هدف زندگی پول است ولی مقدار آن برای هر کسی متفاوت است و من در همین حد حقوق بگیرم و زندگی‌ام بچرخد قناعت کردم و به همین مقدار کفایت کردم بیشتر از این را دنبال نکردم و با همین سطح در رفاه نسبی بودم و نیاز به دیگران نداشتم همین حقوق خود و همسرم برای زندگی مان کفایت کرده» (مصاحبه‌شونده شماره یک؛ ۶۰ ساله - مدیرکل بازنشسته).

مقوله: پول برای رفع نیازها

در دیدگاه برخی از مصاحبه‌شونده‌ها پول لزوماً با خود رفاه اجتماعی را نمی‌آورد. مصاحبه‌شونده‌ای در این خصوص این‌گونه اظهار می‌کند:

"میزان پول نباید نه زیاد باشد و نه کم در حدی که آسایش داشته باشی". همین مصاحبه‌شونده در جایی دیگر می‌گوید: "هرچه پول بیشتر باشد زحمت و گرفتاری آن بیشتر است" (مصاحبه‌شونده شماره نهم؛ ۶۲ ساله - بازرگان بازنشسته).

مقوله مرکزی دوم - کار در اندیشه شهروندان کرمانشاهی

مقوله: اشتغال

مصاحبه‌شوندگان در این اظهارنظرها، پول را به‌عنوان ابزاری می‌دانند که می‌توان از آن جهت کمک به دیگران و ایجاد اشتغال برای ایشان استفاده نمود. در واقع این مصاحبه‌شونده از پول خود جهت توسعه کار خود در راستای کمک به دیگران استفاده می‌کند. اما این نقش تسهیل‌گیری تنها برای کمک به دیگران نیست بلکه در جهت پیشبرد کارهای شخص نیز نمود پیدا می‌کند.

"نقش پول توی زندگی خیلی مهم است، مخصوصاً الان برای کار من، شاید آگه من سرمایه داشتم به جاهای خوبی رسیده بودم، حتی می‌تونستم کارمو گسترش بدم حتی بتونم اشتغال ایجاد کنم برای چند نفر که کارو بلدن ولی سرمایه ندارن شروع کنن" (مصاحبه‌شونده شماره چهارده؛ ۲۹ ساله - کارآفرین کشت زعفران).

مقوله: خانواده‌گرایی به‌عنوان مانعی بر توسعه کار

خانواده یکی از موانعی است که توسط مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان مانعی بر سر راه توسعه کار عنوان شده است. خانواده به دو صورت بر سر راه توسعه کار مانع ایجاد می‌کند. یکی به واسطه احساس مسئولیت فرد حتی بعد از استقلال از خانواده و تشکیل خانواده جدید می‌باشد، که در صورت دستیابی به سرمایه اولیه فرد بخشی از آن را به خانواده پدر و مادری اختصاص می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این راستا می‌گوید:

"من خیلی دوست دارم به خاطر کم امکانات بودن کنگاور سهمی از آن را به خانواده‌ام بدهم. ایجاد اشتغال برای دو نفر از برادران بیکارم ایجاد کنم. بقیه پول را هم در مسکن سرمایه‌گذاری خواهم کرد" (مصاحبه‌شونده شماره هیجده؛ ۴۰ ساله - کارمند و عضو شورای شهر).

یکی مصاحبه‌شونده‌ها اشاره به دلسوزی کردن در روابط خانوادگی دارد:

"فرقی که اینجا هست با استان‌های دیگه، ناشی از این است که یه سری افراد در اینجا از سر دلسوزی این‌طور فکر می‌کنند. مثلاً من خودم اینجوری‌ام، من دیدگاهم آینه که من آگه یک روز اینجا کار کنم برابر ده روز کار کردن برادرم هست میگم عیب نداره بنذار من یک روز کار بکنم اون ده روز بره استراحت کنه دقیقاً این دیدگاه خود من

دارم" (مصاحبه‌شونده شماره شش؛ ۵۰ ساله - پزشک).

مقوله: پول ابزاری برای راه‌اندازی و توسعه کار

دسته‌ای دیگر از مصاحبه‌شوندگان پول را وسیله‌ای برای تولید و بدست آوردن مجدد

پول می‌دانند:

"خوب آگه پول داشته باشی یه کسب‌وکار راه میندازی برای خودت کار می‌کنی. به اندازه تلاشت پول در میاری" (مصاحبه‌شونده شماره دوازده؛ ۲۶ ساله - کارمند شرکت کرپ ناز).

دسته دیگر از مصاحبه‌شوندگان پول را زمینه‌ساز بروز و شکوفایی استعدادها می‌دانند.

"پول مثل بنیه یه آدمه، آگه داشته باشی خلاقیت شکوفا میشه یعنی آگه بخوای میتونی استعدادتو شکوفا کنی، ولی آگه پول نداشته باشی هرچقدر هم که تلاش کنی به جایی نمی‌رسی، مجبوری برای یه لقمه نون کارهایی رو انجام بدی که تو رو از هدف دور می‌کنه بعد یکی دیگه توی کار تو که استعدادش هم از تو کمتره چون پول داره پیشرفت میکنه. من نظرم آینه که پول باید به موقع توی زندگیت باشه آگه به وقت نباشه نمی‌تونی ازش استفاده کنی برای پیشرفتت بلکه تنها می‌تونی خرجش کنی، البته بچه‌ات میتونه استفاده کنه، انگار باید یه نسل زحمت بکشن که نسل بعدی بتونه ازش در جهت پیشرفت استفاده کنه" (مصاحبه‌شونده شماره هشت؛ ۳۷ ساله - کافی‌نت).

در دیدگاه این مصاحبه‌شونده پول بن‌مایه‌ای است که می‌بایستی از نسل قبل به فرد

تجویز بشه که فرد بتواند از آن در جهت پیشرفت استفاده کند.

مقوله مرکزی سوم - سرمایه‌گذاری در اندیشه شهروندان کرمانشاهی

مقوله: ترس از نمایش ثروت

حتی کسانی که نظرگاه مثبتی نسبت به پول دارند پول بیش‌ازحد را در دسرساز و

مسبب استرس و فشار در زندگی می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"اتفاقاً هرچه پول بیشتر داشته باشید دردسر کمتری تو زندگی خواهید کشید. منظور از درآمد، میزانی است که زندگی‌تان را با آن بگذرانید. یعنی محتاج کسی نشوید. البته پول زیاد دردسراست چون استرس و فشار و فکر دارد. ولی در حد معقول خیلی هم خوب

است" (مصاحبه‌شونده شماره هیجده؛ ۴۰ ساله - کارمند و عضو شورای شهر).
به نظر می‌رسد نوعی نگاه کاستی به انباشت سرمایه در برخی از شهروندان کرمانشاهی حاکم است که می‌توان گفت این نگاه بدبینانه می‌تواند سبب گردد که شهروندان کرمانشاهی بر آن باشند که سرمایه خود را از دید دیگران پنهان نگه‌دارند و در نتیجه مانعی بر سر راه ورود پول به بازار تولید گردد. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

"بله می‌شناسم، طرف گنج پیدا کرده پول‌دار شده باور کن از ترس مردم اینکه فردا نگویند رفته خلاف کرده مواد می‌فروشه یا مال کسی رو بالا کشیده پولش رو از چشم بقیه قایم کرده فقط استفاده شخصی می‌کنه، شما حساب کن اون پول رو بیاره توی تولید می‌تونه چقدر اشتغال ایجاد کنه، با اینکه کارگاه نجاری داره ولی کارگاهش هم جرأت نداره توسعه بده از ترس اینکه حرف براش درست نکنند" (مصاحبه‌شونده شماره هشت؛ ۳۷ ساله - کافی‌نت).

مقوله: عدم تناسب در مدیریت پول
مقوله‌ای دیگری که از دل مصاحبه‌ها قابل استخراج است سردرگمی در جمع‌آوری پول و سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی شده است، که در این راستا نوعی عدم تناسب در مدیریت پول نیز به تبع به دنبال دارد، یکی از مصاحبه‌شوندگان این گونه بیان می‌کند:

"مشکل اساسی این است که بعضی وقت‌ها غافل می‌شویم که چه مقدار پول باید جمع کنیم و این پول‌ها را باید چه جوری یک نسبت درست بین پس‌انداز نقدی، سرمایه و ابزاری که استفاده می‌کنیم تناسب خاصی نیست. مثلاً من الان بیشترین سرمایه‌ام رو آوردم در حوزه ابزار کاری، یعنی در واقع تمام زندگیم رو آوردم در قالب کارم، که این یک مشکل است که تناسب درستی نه بنده بلکه همه رو هم که دارم نگاه می‌کنم تناسبی وجود ندارد. یعنی نسبت درستی بین توزیع سرمایه به عنوان یک پس‌انداز نقدی، سرمایه ملکی که یک سرمایه ثابت است و سرمایه‌ای که با آن کار می‌کنیم نیست".

مقاله: نقش دولت

نقش دولت از نظر مصاحبه‌شونده‌ها در امور اقتصادی مختلف در استان کرمانشاه بسیار ضعیف و کم‌رنگ است. برای مثال در کشاورزی یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"اگر محصولی که ما برداشت می‌کنیم رو دولت از ما به قیمت منصفانه‌ای بخره ما مجبور نیستیم محصول رو انبار کنیم که در به زمان مناسبی که قیمت بالا رفت بفروشیم همون اول محصول رو می‌فروشیم با پولش هم می‌تونیم به جایی به سرمایه‌گذاری کنیم به کسب کار دیگه راه بندازیم" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و چهار؛ ۲۶ ساله - کشاورز).

همچنین مصاحبه‌شونده دیگر عنوان کردند که: "ما توی کشاورزی با مشکل کمبود آب مواجهیم به سال بارون میاد به سال نمیداد بعد دولت حمایتی نمی‌کنه وقتی محصول نداریم بر اثر کم‌آبی. بعد مناطق روستایی هم امکاناتی نداره خیلی از روستاها داره خالی میشه همه به خاطر اینکه مثلاً بچه هاشون برن مدرسه یا با امکانات شهری دسترسی داشته باشن میان شهر بعدشم هم هیچی بیکار میشن یا میرن دو روز دست فروشی می‌کنن شهرداری جمشون میکنه یعنی شغلاهی به درد نخور میان. آگه دولت به حرکتی بزنه توی این منطقه این مشکلات پیش نیاد" (مصاحبه‌شونده شماره سی و پنج؛ ۵۵ ساله - کشاورز).

مقاله مرکزی چهارم - پس‌انداز در اندیشه شهروندان کرمانشاهی

یکی از شیوه‌های مدیریت پول پس‌انداز نمودن آن به‌منظور مصرف در آینده به شیوه‌های گوناگون و انگیزه‌های مختلف است. بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نوع نگاه شهروندان کرمانشاهی به پس‌انداز به صورت‌های متفاوتی انعکاس داده می‌شود و به صورت‌های مختلف و با اهداف مختلف در زندگی پس‌انداز می‌کنند. بررسی اولیه کدگذاری‌های باز و محوری، سه مقاله در خصوص پس‌انداز شامل نوع نگاه به پس‌انداز، پس‌انداز در عمل و مدیریت و نحوه هزینه کرد پس‌انداز می‌شود.

نوع نگاه به پس‌انداز

مقاله: انگیزه فعالیت اقتصادی

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها پس‌انداز را به نیت سرمایه‌گذاری مجدد انجام می‌دهند.

"پس‌انداز می‌کنیم دوباره سرمایه‌گذاری می‌کنیم".

همین مصاحبه‌شونده در جایی دیگر می‌گوید:

"البته شاید تعریف پس‌انداز بنده با شما متفاوت باشه، آگه پس‌انداز این باشه که از اون سود بکنم بدارم توی بانک یا نگاهش دارم بعد روش تصمیم بگیرم نیست. پس‌انداز ما آینه که روزه‌روز بتونیم کار رو توسعه بدیم. که جماعت بیشتری از اون منتفع بشن" (مصاحبه‌شونده شماره هفت؛ ۵۸ ساله - پرورش‌دهنده گل محمدی).

فرهاد که به کار کشاورزی مشغول است پس‌انداز را بدین صورت انجام می‌دهد:

"من همین توی کار گندم و جو اینا، محصولات کشاورزی، گاه یونجه اینا انبار می‌کنم" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و چهار؛ ۲۶ ساله - کشاورز).

"من وقتی عروسی گرفتم کلی در فشار بودم به خونه رهن کردم و مراسم عقد گرفتم و عروسی نتونستم پول نداشتم رفتیم مشهد. برگشتیم شروع کردم سفت و سخت کار کردن و توی این مدت واقعاً تا جایی که راه داشت از هزینه‌های زندگی می‌زدم پس‌انداز می‌کردم به صورت طلا بعد که مبلغ زیادی شد فروختم خونه خریدم و باز شروع کردم طلا خریدم، امسال هم زدیم توی کار خرید و فروش دلار و هی پس‌انداز می‌کنم می‌خوام به کارخانه تولید ظروف یکبار مصرف بزنم، همه پس‌اندازم رو میارم توی این کار و بازم توی این کار پس‌انداز می‌کنم که کارخانه رو توسعه بدم" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و سه؛ ۴۱ ساله - دلال دلار)

مقوله: انگیزه حمایتی

برخی پس‌انداز را به عنوان تکیه‌گاهی برای کمک‌رسانی به خانواده و اقوام نگاه می‌کنند و در واقع از آن به عنوان آئینی رفاهی استفاده می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید:

"علاوه بر نوسانات حکومتی پس‌انداز یک پشتوانه و احساس دینی است که انسان نسبت به خانواده اقوام و نزدیکان دارد" (مصاحبه‌شونده شماره یک؛ ۶۰ ساله - مدیرکل بازنشسته).

در مصاحبه یاد شده، فرد هدف از پس‌انداز را یک وظیفه دینی تلقی می‌کند که برای حمایت از خانواده و اقوام در مواقع ضرورت می‌داند.

"در کل به نظرم پس‌انداز آدم داشته باشه می‌تونه در وهله اول به خانوادش کمک کنه وقتی نیاز داشتن مثلاً برادر آدم از آدم مثلاً ده میلیون تومان پول میخواد لنگ پول باشه بتونه آدم بهش بده، به همین صورت آدم میتونه در موقعی که لازم باشه به اقوامش و دوستاش موقع گرفتاری کمک کنه. پس‌انداز داشته باشی یکی ازت پول خواست شرمنده نشی بگی ندارم" (مصاحبه‌شونده شماره سی و دو؛ ۵۷ ساله - فرش فروش).

"تا جایی که بتونم پس‌انداز می‌کنم. آدم پول داشته باشه مقداری به‌عنوان پس‌انداز احساس خوبی بهش میده. تازه پس‌انداز داشته باشی آگه کسی از خانوادت یا دوستات ازت قرض خواستن می‌تونی بهشون بدی که تو هم یه روزی گیر کردی کسی رو داشته باشی بهت پول قرض بده پس‌انداز کمک می‌کنه". (مصاحبه‌شونده شماره پنج؛ ۵۵ ساله - قالی‌باف).

مقوله: انگیزه احتیاطی

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها نیز به دلیل هراس از آینده و با انگیزه احتیاطی دست به پس‌انداز می‌زنند.

"پس‌انداز برای موقع نیاز است یا برای این که اگر نتوانستم کار کنم استفاده کنم. چیزی که در صنف خودم می‌بینیم این است که همه نگران وضعیت اقتصادی هستند و برای همین پس‌انداز می‌کنند" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و هفت؛ ۲۶ ساله - مغازه‌دار).

"کار من الآن خصوصی است اما قبلاً کار من شبه‌دولتی بود و پس‌انداز کردم ربطی به آن کار نداشت. اما امروز که کارم مختص به خودم است در درجه اول پس‌اندازم را در توسعه کارم هزینه می‌کنم. اگر برای توسعه کار نیاز نداشته باشم پس‌اندازم را استفاده نمی‌کنم برای به اصطلاح روز مبادا؛ یعنی روز مشکلات. کسی به خرید خانه و سفر خارجی و مشابه این‌ها روز مبادا نمی‌گوید" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و پنج؛ ۳۹ ساله - خیرنگار).

"پس‌انداز که داشته باشی حس خوبی داری، خیالت راحت که آگه یه دفعه‌ای مشکلی

پیش بیاد، خدایی نکرده آدم خودش یا اعضای خانوادش مریض بشه از پشش بر میای، زندگیه دیگه معلوم نیست فردا چی پیش میاد آدم باید پس‌انداز کنه که یه روز که لازم داشت استفاده کنه" (مصاحبه‌شونده شماره سیزده؛ ۴۲ ساله - خرازی).

"پس‌انداز علاوه بر اینکه یه آرامش خاطری به آدم میده که حالا هرچی بشه یه پس‌اندازی هست مثلاً چی میدونم درآمد آدم کم بشه بچه آدم مریض بشه بچوات خواست ازدواج کنه یا هر چیز دیگه ای یه پولی هست که کارت راه بندازی" (مصاحبه‌شونده شماره سی‌ودو؛ ۵۷ ساله - فرش‌فروش).

در راستای هراس از آینده برخی نیز ناملایمات مالی حاکم بر کشور را دلیل پس‌انداز کردن خانواده‌ها می‌دانند. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

«پس‌انداز یک امر طبیعی است که کشور ما با توجه به اینکه ریسک مالی بالایی دارد و دامنه تغییرات بسیار گسترده‌ای دارد که این دامنه تغییرات تا حدودی ناامنی در خانواده‌ها ایجاد کرده و به تبع خانوارها به پس‌انداز نیاز دارند تا در مواقع بروز مشکلات از طریق آن پس‌انداز مسئله را حل کنند» (مصاحبه‌شونده شماره یک؛ ۶۰ ساله - مدیرکل بازنشسته).

"پس‌انداز همیشه بخشی از برنامه من بوده توی زندگی، فردا روز معلوم نیست چی پیش میاد، آدم باید سعی کنه همیشه یه چیزی ته حسابش باشه یعنی من اینجوری ام، شده از نیازهای اولیه‌ام هم بزنم پس‌انداز می‌کنم. خیالم راحت‌تر فردا مشکلی پیش بیاد می‌تونم از پشش بریام. کسی از فردای خودش خبر نداره. اگر مشکلی یه دفعه‌ای برا آدم اتفاق بیفته، پس‌انداز داشته باشی مجبور نیستی به کسی رو بزنی. یعنی اگر خدایی نکرده اتفاقی افتاد خودمون داشته باشیم. چون فکر نمی‌کنم تو جامعه الان کسی به فکر کسی باشه" (مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وهشت؛ ۴۱ ساله - فروشنده).

مصاحبه‌شونده یاد شده پس‌انداز را علاوه به راهگشا بودن در زمان نیاز به عنوان عاملی جهت آسایش و آرامش خاطر می‌داند، که هراس از آینده را تسکین می‌دهد.

مصاحبه‌شونده دیگر بالاترین ارزش را در زندگی به پس‌انداز می‌دهد و آن را بیشتر از

جنبه احتیاطی می‌بیند:

"پس انداز خیلی مهمه، من همیشه پس انداز می‌کنم چون زندگی پر از فراز و نشیبه، یه زمانایی به تنگنا مالی برسی پس انداز داشته باشی نجات پیدا می‌کنی نداشته باشی غرق میشی. این طور می‌تونم بگم که پس انداز از همه کس برات عزیزتره چون جونت رو نجات میده موقعه ای که اتفاقی برات بیوفته مثلاً مریض بشی بخوای یه عمل بزرگ داشته باشی پس انداز نکرده باشی باید بمیری" (مصاحبه‌شونده شماره سه؛ ۴۷ ساله - فروشنده مواد مخدر).

مقوله: انگیزه بهبود وضعیت زندگی

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها انگیزه خود را از پس انداز بهبود وضعیت خود از قبیل تهیه مسکن بهتر، ماشین بهتر و... عنوان کرده‌اند. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"حالا آگه مبلغ قابلی بشه و یه دفعه‌ای دیدی یه ماشینی خوب خورد به پستمون بتونیم مدل ماشینمون رو عوض کنیم یا خیلی دوس دارم پول جمع کنم یه خونه با متراژ بالاتر بگیریم". (مصاحبه‌شونده شماره پانزده؛ ۴۷ ساله - خیاط).

"آگه هم مشکلی پیش نیاد پس اندازمو دوس دارم یه وام هم روش می‌زام بتونیم با پس انداز شوهرم یه خونه بزرگ‌تر بگیریم جامون خیلی تنگه" (مصاحبه‌شونده شماره سیزده؛ ۴۲ ساله - خرازی).

برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان به نقش پول در رفتارهای سیاسی، فرهنگی و عاطفی و در کل اثرگذار بر کیفیت زندگی افراد می‌دانند. این موضوع در صحبت‌های یکی از مصاحبه‌شوندگان بدین صورت بیان شده است:

"ما در زندگی روزمره با مسائل مختلفی روبرو هستیم که در اغلب آن‌ها پول نقش اساسی مستقیم یا غیرمستقیم دارد. در واقع پول نیروی محرک زندگی ماست و حتی رفتارهای سیاسی، فرهنگی و عاطفی هم تحت تأثیر پول است. پول ابزار اساسی زندگی انسان جامعه است. هرچقدر سهم داشته‌های پولی انسان کم‌تر شود کیفیت زندگی فرد و سطح رفاه اعم از فردی و اجتماعی پایین می‌آید" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و پنج؛ ۳۹ ساله - خبرنگار).

مقوله: نیازهای فیزیولوژیک اولیه

یکی از کاربری‌های پول برآورده کردن نیازهای اولیه افراد می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در مقابل امکان وام بدون سقف این گونه بیان می‌کند:

"مبلغ حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان تا بتوانم با آنها حدود ۱۰۰ رأس دام را نگهداری کرده و از آن طریق تمام امورات خود را بگذرانم و هم برای جامعه مثرتر باشم". (مصاحبه‌شونده شماره دو؛ ۷۰ ساله - کارگر بازنشسته).

ملاحظه می‌شود که مصاحبه‌شونده یاد شده نهایت استفاده خود را حتی با وجود وارد نمودن پول به یک چرخه تولید، برآورده نمودن نیازهای اولیه ذکر می‌کند. مصاحبه‌شونده دیگر می‌گوید:

"خوب سعی می‌کنم بهتر لباس بپوشم غذای درست حسابی بخوریم میوه و اینا هم هرروز بخوریم. آگه خیلی هم درآمدم بالا بره خونه بزرگ‌تری می‌خرم. آدم یه خونه خوب داشته باشه و بتونه درست حسابی لباس بپوشه و غذا بخوره دیگه چی از خدا میخواد؟!" (مصاحبه‌شونده شماره پنج؛ ۵۵ ساله - قالی‌باف).

مصاحبه‌شونده دیگر:

"آگه درآمدم افزایش پیدا کنه خیلی خوبه حداقل می‌تونم خرج و خوراک خونه رو تأمین کنم بعضی وقتا شرمندم پیش زنم که سفره ام خالیه الان تغذیه شده دغدغه من" (مصاحبه‌شونده شماره دوازده؛ ۲۶ ساله - کارمند شرکت کرپ ناز).

"ترجیح میدم مصرف کنم تغذیه ام رو درست کنم بتونم کار کنم فردا نیفتم مریض بشم بعد غذا سعی می‌کنم به لباس و پوشاکم برسیم مثل آدم لباس شیک بپوشم" (مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وننه؛ ۲۵ ساله - راننده تاکسی).

مقوله: نیازهای فیزیولوژیک ثانویه

برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها یک گام از برآورده نمودن نیازهای اولیه فراتر رفته و اقدام به برآوردن نیازهای ثانویه می‌نمایند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها این موضوع را این گونه مطرح می‌کند:

"آگه درآمدم اضافه بشه سعی می‌کنم... و بتونم با خانواده سفر بریم تفریح بریم بتونیم

لذت ببریم از زندگیمون همش زندگیمون نشه مغازه - خونه همش تکراریه روزا"
(مصاحبه‌شونده شماره سیزده؛ ۴۲ ساله - خرازی).

"الان شما نگاه کنید کشورهای خارجی تفریح و مسافرت مثل غذا خوردنه براشون
من دوس دارم پولی دستم بیاد بتونم مسافرت خوبی برم آگه بشه خارج از کشور که اصلاً
بینم دنیا چه خبره" (مصاحبه‌شونده شماره هشت؛ ۳۷ ساله - کافی‌نت).

مقوله: نیازهای ایمنی

برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها رفتن به دکتر و ورزش کردن را در اولویت قرار
می‌دهند و در صورت دستیابی به پول سعی می‌کنند به مسائل ایمنی بدن بیشتر توجه
نمایند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"آگه درآمد خیلی داشته باشم زانو هام خیلی درد می‌کنه میرم دکتر کل بدنم رو
چک می‌کنم سن که میره بالا دیگه بدن آدم ضعیف میشه باید دکتری بری ولی متأسفانه
پول نداشته باشی همیشه الان دندونام هرچی خراب شده کشیدمش چند تا دندون ندارم اونا
رو هم درست می‌کنم" (مصاحبه‌شونده شماره سی و پنج؛ ۵۵ ساله - کشاورز).

"پول داشته باشم میرم پیش دکتر دیسک کمر دارم با این حال کار می‌کنم میرم پیش
دکتر عمل می‌کنم دیگه درد نکشم بعضی وقتا سرکار از شدت درد میشینم دیگه دستم
برای کار نمی‌ره" (مصاحبه‌شونده شماره بیست و دو؛ ۶۳ ساله - بنا ساختمانی).

مصاحبه‌شونده دیگر می‌گوید:

"... بتونم برم باشگاه ورزش کنم تغذیه ام هم که خوب باشه دیگه سلامتی آدم
تضمینه. ورزش رو حتماً میرم باشگاه بدن‌سازی که سالم باشم" (مصاحبه‌شونده شماره
بیست و نه؛ ۲۵ ساله - راننده تاکسی).

مقوله: نیازهای امنیتی

گونه دیگری از استفاده شهروندان کرمانشاهی مخصوصاً در مناطق روستایی از پول و
سرمایه خود، خرید اسلحه می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این خصوص می‌گوید:
"اینجا مثلاً از ارومیه میانند و آب میاد اینجا هر خانواده‌ای دو ماشین داره به نیشان داره
کاراش رو با اون انجام میدن میره زراعت و میاد، اونم سواری میاد مسافرت. اینجا هیچ‌یک

از اینها روندارن. اما خوب به برنویی (اسلحه) که اونجا می‌خواد بمونه گهگاهی یه فشنگ در بکنن یعنی همش هزینه است دوتا داره در صورتی که به هیچ‌کدام از اونها نیازمند نیست" (مصاحبه‌شونده شماره هفت؛ ۵۸ ساله - پرورش‌دهنده گل محمدی).

"اول چند تا اسلحه خوب می‌خرم. دوتا دارم میرم شکار بعضی وقتا ولی دوست دارم اسلحه کمتری داشته باشم جایی میرم هم‌رام باشه ممکنه یه روز جونمونجات بده" (مصاحبه‌شونده شماره سه؛ ۴۷ ساله - فروشنده مواد مخدر).

"یه تفنگ برنو می‌خرم برای روز مبادا آگه یه روزی خدای‌نکرده درگیری بشه بتونم از خودم دفاع کنم یکی دارم یکی دیگه هم بخرم به درد می‌خوره" (مصاحبه‌شونده شماره سی‌وپنج؛ ۵۵ ساله - کشاورز).

مقوله: نیازهای خودشکופا کننده

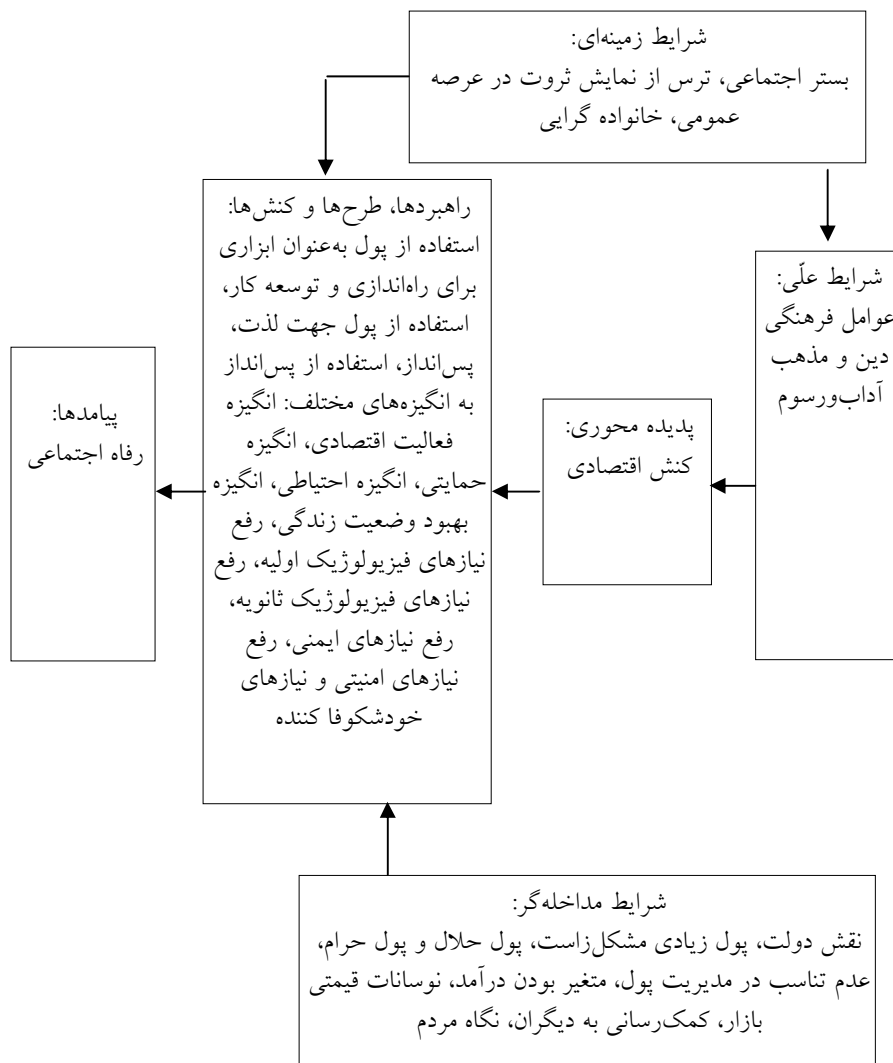
رفتن به کلاس‌های آموزشی، یادگرفتن یه هنر، رفتن به سفرهای زیارتی برای تسکین درونی مجموعه از نیازهایی است که سبب خودشکوفایی استعدادها یا برآوردن نیازهای درونی افراد می‌شود. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"آگه درآمد افزایش پیدا کنه طوری که نیازهای اولیه‌ام برطرف بشه سعی می‌کنم کارگاه‌های آموزشی مربوط به مسائل اجتماعی خارج از کشور رو شرکت کنم بتونم چیزی یاد بگیرم که منتقل کنم به دانشجو هام. علاوه بر این کارگاه‌ها بتونم توی کنفرانس‌های علمی هم شرکت کنم" (مصاحبه‌شونده شماره هفده؛ ۴۰ ساله - استاد دانشگاه).

"من آگه درآمد زیاد بشه بتونم پولی پس‌انداز کنم دوس دارم با شوهرم برم زیارت خانه خدا برم حج زیارت کنم" (مصاحبه‌شونده شماره پانزده؛ ۴۷ ساله - خیاط).

"بعدشم دوس دارم یه کلاس موسیقی بتونم برم یه سازی یاد بگیرم برای دلم بزنم. ساز به آدم آرامش میده ولی کلاً موسیقی پول می‌خواد یادگرفتن یه ساز هزینه داره باید وقت هم بزاری برای تمرین" (مصاحبه‌شونده شماره هشت؛ ۳۷ ساله - کافی‌نت).

مدل پارادایمی زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی در حوزه رفاه اجتماعی



همان‌طور که در الگوی فوق‌نمایان است مهم‌ترین دلایل فرهنگی مؤثر بر کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی دین و مذهب و آداب و رسوم حاکم بر این استان می‌باشد که زمینه‌ساز رفتارهایی از قبیل ترس از نمایش ثروت در عرصه عمومی و خانواده گرایی

می‌باشد، که کنش اقتصادی بر اساس امور آن جهانی یا معنوی را سبب می‌شود، که تمام رفتارهای اقتصادی را بر اساس رضایت پروردگار و به‌عنوان توشه^{۱۰} برای آخرت در نظر می‌گیرند. گفتنی است که علاوه بر عوامل فرهنگی می‌توان گفت که عوامل سیاسی نیز در کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی اثرگذار است. یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی که از دید مصاحبه‌شونده نقش مهمی در کنش اقتصادی افراد دارد به نقش دولت در امور مختلف مربوط می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

استان کرمانشاه جامعه ایست که اغلب کنشگران در آن بر اساس خرده‌فرهنگ‌های روستایی دست به کنش می‌زنند. لذا کنش‌ها بیشتر بر آداب و رسوم گذشته و متأثر از فرهنگ روستایی شکل می‌گیرد. در چنین فضایی برای تحلیل کنش‌های اقتصادی به‌طور عام و پول به‌عنوان موضوع اصلی بحث مقاله حاضر ناگزیر از بررسی زمینه‌های فرهنگی اثرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی می‌باشیم. زمینه‌های فرهنگی که نگاه شهروندان کرمانشاهی را به پول شکل می‌دهد دو مقوله مذهب و آداب و رسوم می‌باشد، که در قالب شرایط علی در مدل پژوهش قرار گرفته است. در کنار این عوامل شرایط زمینه‌ای از قبیل بستر اجتماعی، ترس از نمایش ثروت در عرصه عمومی، خانواده‌گرایی و شرایط مداخله‌گر شامل هراس از پول زیاد، پول حلال و حرام، عدم تناسب در مدیریت پول، متغیر بودن درآمد، نوسانات قیمتی بازار، کمک‌رسانی به دیگران و نگاه مردم به شرایط علی کمک می‌کند و نوع نگاه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این راستا راهبردهایی که شهروندان کرمانشاهی در استفاده از پول جهت دستیابی به رفاه اجتماعی بکار می‌گیرند شامل: استفاده از پول به‌عنوان ابزاری برای راه‌اندازی و توسعه کار، استفاده از پول جهت لذت، پس‌انداز، استفاده از پس‌انداز به انگیزه‌های مختلف: انگیزه فعالیت اقتصادی، انگیزه حمایتی، انگیزه احتیاطی، انگیزه بهبود وضعیت

زندگی، رفع نیازهای فیزیولوژیک اولیه، رفع نیازهای فیزیولوژیک ثانویه، رفع نیازهای ایمنی، رفع نیازهای امنیتی و نیازهای خودشکوفای کننده می‌باشد. لذا افراد از طریق بکارگیری این راهبردها در استفاده از پول به ابعادی از رفاه اجتماعی از قبیل: آسایش و راحتی، اشتغال، تفریح و سرگرمی، روابط خانوادگی و ارتباطات اجتماعی، تغذیه و پوشاک، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، رفع نیازها و رفاه اجتماعی به‌عنوان پیامدهای این مدل دست می‌یابند.

چنین از دل مصاحبه‌ها برمی‌آید که فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان کرمانشاهی بر منطقی آن جهانی استوار است، که به‌وضوح می‌توان آن را در تمامی جنبه‌های زندگی آنان دید، و همین امر نگرش آنان را نسبت به پول و چگونگی مواجهه با آن تحت تأثیر قرار داده است. این منطقی آن جهانی از طریق امور مذهبی، آداب و رسوم که به بعضاً به شکل ضرب‌المثل‌ها نمود یافته‌اند، نگرش افراد را و به طبع رفتار آنان را شکل می‌دهد. لذا این عوامل در بستر شرایط علی در مدل تحقیق قیدشده‌اند. علیت این شرایط در متن مصاحبه‌ها نمایان بود به گونه‌ای که فاصله گرفتن برخی از مصاحبه‌شونده‌ها از این عوامل، به نگرششان نسبت به پول بیشتر صبغه عقلانی داده بود.

بنابراین با دو دسته از افراد مواجهیم، دسته اول تحت تأثیر امور مذهبی و آداب و رسوم برآمده از فرهنگ کرمانشاهی نگرششان به پول بیشتر به‌عنوان ابزاری جهت گذران زندگی است، اما دسته دوم بر اساس منطقی عقلانی نگرششان به پول بیشتر هدفمند و در جهت انباشت سرمایه و گسترش کار استوار می‌کنند. لذا این دو نوع نگرش ایجادشده در دسته اول بیشتر به جنبه‌های اجتماعی رفاه از قبیل بهبود اجتماعی در وضعیت افراد، خدمات مؤسسات اجتماعی برای دستیابی به زندگی مطلوب و خدمات اجتماعی پرداخته می‌شود و دسته دوم بر جنبه‌های فردی از قبیل توسعه کار پرداخته می‌شود.

امروزه بخش بزرگی از خواسته‌ها، خدمات و نیازهای انسان در زندگی با پول بدست می‌آید، و می‌توان گفت که هدف و غایت تمامی فعالیت‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری پول است. بنابراین یکی از برجسته‌ترین و شاخص‌ترین عناصر در چنین نظامی

موفقیت در بدست آوردن پول است، دستیابی به این مهم در میان مردم کرمانشاه در گروه پذیرش اجتماعی در بین مردم و رضایت خداوند می‌باشد. بنابراین در اینجا شکاف میان نگاه‌های سرمایه دارانه که موفقیت را در گروه پول و نگاه‌های مردمان این منطقه که موفقیت را در گروه پذیرش اجتماعی و رضایت خداوند می‌دانند وجود دارد. به نظر می‌رسد که فرهنگ قومی و دینی مردم کرمانشاه بر منطقی آن جهانی استوار است، که به‌وضوح می‌توان آن را در تمامی جنبه‌های زندگی آنها دید. بنابراین این نگاه می‌تواند علتی برای نوع نگاه آنان به پول و اثرات آن در حوزه رفاه اجتماعی داشته باشد.

اشتغال به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در این پژوهش در متن مصاحبه‌ها منعکس شده است. بنابراین هم‌چنانکه نویسندگان مقاله "تخمین شاخص رفاه اجتماعی برای شرایط ایران" اظهار کرده‌اند، بیکاری، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثری است که سطح رفاه اجتماعی را در یک جامعه نشان می‌دهد، و استان کرمانشاه به‌گواه آمار منتشره توسط مرکز آمار ایران، سال‌هاست که در رتبه‌های صدر جدول جا خوش کرده است، برای برون‌رفت از این وضعیت نهادهای فرهنگی باید با تغییر سیاست‌های موجود مبتنی بر آخرت‌گرایی، مدح قناعت و نداری، نگاه منفی به پول و سرمایه‌داری و ... زمینه‌های تغییر نگرش مردم را فراهم آورند تا بتوان با تکیه بر اندوخته‌های مالی و نهایتاً سرمایه‌گذاری درون‌زا، با کاهش شدت بیکاری زمینه‌های اشتغال و کاهش بیکاری را فراهم آورند تا وضعیت موجود که استان، توان نگهداری جمعیت فعال اقتصادی را ندارد (کرمانشاه دومین استان مهاجر فرصت کشور در سال‌های اخیر بوده است) بر پایه قابلیت‌های داخلی دگرگون شود، تا بتوان بر بالا بردن سطح رفاه اجتماعی شهروندان کرمانشاهی امیدوار بود. هر یک از ابعاد دیگر رفاه اجتماعی نیز متناسب با اثرات ساختارهای فرهنگی نمود خاصی می‌یابند. به‌گونه‌ای که آسایش و آرامش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی با قناعت و صرفه‌جویی حاصل می‌شود و افراد اکثراً بخش اعظمی از پول خود صرف برآورده ساختن نیازهای اولیه و در مرحله بعد نیازهای ثانویه می‌کنند، و از ابعاد دیگر رفاه اجتماعی از قبیل تفریح، روابط خانوادگی و ارتباطات اجتماعی و آموزش کمتر

مورد توجه قرار می‌گیرد. در کل نوع نگاه به پول و نقش آن در رفاه اجتماعی در دو جهت منفی (پول به‌عنوان ابزاری مادی که روابط را از هم گسسته و سبب غرق شدن افراد در بدست آوردن آن و فراموش کردن اصل زندگی، تفریح، آرامش، سلامت و... در نظر گرفته می‌شود)، با نگاه مثبت به پول (پول به‌عنوان ابزاری جهت دسترسی بهتر به امکانات رفاهی، و ابزاری برای استفاده در خدمت فرد نگریده می‌شود) در مصاحبه‌ها انعکاس یافته است.

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که فرهنگ مردم کرمانشاه برآمده از نظام معیشتی این منطقه در طول تاریخ که کشاورزی بوده، می‌باشد. در نظام کشاورزی تمام توجه‌ها به آسمان دوخته می‌شود، بدین معنا که در صورت بارندگی مناسب می‌توان امیدوار بود که محصولات کشاورزی سبب کسب سرمایه برای کشاورز گردد و از طرفی این نظام معیشتی فصلی می‌باشد. بنابراین این دو جنبه از زندگی کشاورزی مانعی بزرگ بر سر راه شکل‌گیری محاسبه‌گری و عقلانیت که برآیند نظام صنعتی و سرمایه‌داری است، می‌باشد. در نظام صنعتی که بر پایه تجارت استوار است فرد می‌تواند با محاسبه‌گیری و سبک و سنگین کردن، سود حاصل از تجارت را بررسی و گزینه‌ای که بیشترین سود را برای او به ارمغان می‌آورد انتخاب نماید اما در نظام کشاورزی همه‌چیز بستگی به شرایط اقلیمی دارد، همچنین مقداری از سود حاصل از کار کشاورزی می‌بایستی فصول بیکاری کشاورز را با توجه به فصلی بودن شغل کشاورزی پوشش دهد، بنابراین قسمت اعظمی از سود حاصل از کار کشاورزی خارج از دسترس کشاورز و قابل محاسبه‌گری و برنامه‌ریزی نمی‌باشد. بنابراین این مانع یعنی عدم شکل‌گیری عقلانیت و محاسبه‌گری در رابطه با پول و همچنین دستیابی به رفاه اجتماعی بالا را در این منطقه با چالش جدی مواجه کرده است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: فیروزمند، شمس‌آوری و مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار*، تهران: انتشارات زمینه.
- باری، نورمن. (۱۳۸۰)، *رفاه اجتماعی*، ترجمه: اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: انتشارات سمت.
- بلالی، اسماعیل و جعفری، راهله. (۱۳۹۴)، *مقایسه همسانی و ناهمسانی رفتارهای اقتصادی زنان شاغل و غیر شاغل*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبردی زنان)، دوره ۱۷، شماره ۶۷: ۱۵۷-۲۰۳.
- تالر، ریچارد. (۱۳۹۶)، *کج‌رفتاری، شکل‌گیری اقتصاد رفتاری*، ترجمه: بهنام شهانی، تهران: انتشارات کتاب مهربان.
- تدوین سند توصیفی تحلیلی مسئله شناسی توسعه استان کرمانشاه، نقشه راه توسعه استان کرمانشاه. (۱۳۹۳)، *طرح استانی، کارفرما: استانداری کرمانشاه، معجری: جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه*.
- سعیدی، محمدرضا و تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۸۸)، *برنامه‌ریزی اجتماعی*، تهران: نشر راهدانه.
- صادقی، حسین و احمدزاده، خالد. (۱۳۸۷)، *بررسی نقش فرهنگ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی اقتصادی در تولید، ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال دوم، شماره ۱۹ و ۲۰: ۲۶-۳۴.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۰)، *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- عظیمی آرانی، حسین. (۱۳۸۳)، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا. (۱۳۸۸)، *کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی*، تهران: انتشارات شیرازه.

زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی شهروندان...، خسروی ترازک و طالبی | ۱۰۹

– فرنهام، آدریان و آرگایل، مایکل. (۱۳۸۴)، روانشناسی پول، ترجمه: شهلا یاسایی، انتشارات جوانه رشد.

– فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۳)، نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

– قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۲)، «دولت و سیاست سلامت در ایران (۸۸-۱۳۶۰)»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۱: ۲۱۱-۲۵۴.

– کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۷)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، چاپ ششم، مترجمان محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

– گلزاری، مسعود. (۱۳۵۷)، کرمانشاهان - کردستان، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، شماره ۱۴۷، تهران: انجمن آثار ملی.

– گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، راه سوم (بازسازی سوسیال دموکراسی)، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.

– لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، مبانی برنامه‌ریزی و سیاست اجتماعی، تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی.

– موسوی، میرطاهر و محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانژه.

– هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۱)، آنتومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ.

– وبر، ماکس. (۱۳۶۷)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه: احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز.

- Cocozzelli, F. (2009). *War and Social Welfare*, NewYork: Palgrave Macmillan.
- Foster, G.M (1965), Peasant Society and the Image of Limited good, *American Antroplogist*, Vol. 67. No. 20.
- Inglehart, R & Wlzel, C. (2005) *Modernization, cultural change and democracy: the human, development sequence*, Cambridge university press.

- Kaske, E, (2005), *social security and older people: An African perspective, international social work*, 2005, published by Sage.
- Lewis, O. (1960), *Tepoztlan: Village in Mexico*, New York, Hoit.
- Lovuolo, Ruben M. (2009). *Social exclusion policies and labour markets in Latin America*, in “*Financing social policy*”, Edited by Katja Hujo and Shea McClanahan,, NewYork: Palgrave Macmillan.
- North, D (1997), "Cliometrics: 40 Years Later", *The American Economic Review*, vol.87, no.2, pp.412-414.
- North, D and Denzau, Arthr.T (1994). Shared Mental Models: Ideologies and Institutions, *Kyklos*, 1994, vol. 47, issue 1, 3-31
- Rogers, E. (1969). *Modernization Among Peasants*. New York. Holt.
- Strauss, A.& Corbin, J (1990), *Basics of Qualitative Research; Grounded:Theory procedure and techniques*. sage publication,London.
- Weber, M. (1968). *Economy and Society*. Edited by Guenther Roth and Claus Wittich. New York: Bedminister.